

در تخت

پولاد

در خصوص شفاعت

-۱۳-

- پس شریعت اسلامی که با هر نوع شرکی مخالف و کاملترین دیانات توحیدی است بادستوراتی راجع به مقابر خواسته است امت مرحومه را از این شرک برکنار نماید. قبور کم کم با سطح زمین مساوی شده و چیزی از آن باقی نمیماند که بشر را به یاد مردگان بیندازد و طبعاً مرده پرسنی رواج نمی گیرد. طائفة وهابی بهمین اصل شریعت اسلامی متشبث شده و ایجاد بقاع را بر روی مقابر عموماً حتی بر قبر پیغمبر جائز نمی دانند دیگر چه رسد به مقابر ائمه ماو این روش شیعیان در ساختن ضریحهای نقره و طلا و خواندن زیارت نامه در نظر وهابی شرک محض و مباشرین آن در عداد مرتدین و واجب القتل می باشند. و از همین لحاظهاست که گفتیم خشکی و تمصب زیاد و اغراق آمیز آنها - آنها را تحمل - ناپذیر ساخته است.

نجف آبادی که تا کنون ساکت بود از بیانات اخیر سید تشجیع شده و گفت این طائفه مردمان وحشی و احمق هستند زیرا احترام به بزرگان و آثار آنها در همه ممالک و ملل معمول و در دیانت اسلامی هم جائز است حتی می توانیم بگوئیم احترام رؤسای مذهب چون جزء شائرا اسلامی است واجب و خلاف آن خلاف شرع است.

مرحوم سید - آنقدرها که شما خیال می کنید آنها احمق نیستند احترام به بزرگان را قبول دارند ولی زیارت خواندن و توسل به آنها را شرک می دانند. آنها می گویند مطابق سنن اسلامی باید برای این بزرگان سوره فاتحه خواند نه زیارت زیرا می گویند وقتی شما مقابل قبری ایستاده و شروع کردید بخواندن زیارت یعنی خطاب کردن به قبر و از آن قبر حاجت خواستن بغیر

خداوند متوسل شده‌اید و با آنهایی که بت را می‌پرستند و از آن حاجت می‌خواهند فرقی ندارید .

نجف آبادی - ما به قبر خطاب نکرده بلکه به صاحب قبر متوسل می‌شویم .
مجدالشریعه - پس چرا صریح نقره را می‌بوسید .

نجف آبادی - برای اینکه منتسب به صاحب قبر و مظهر اوست .
مجدالشریعه - عین این حرف را تمام بت پرستها می‌زنند زیرا آنهاکه معتقد نیستند مجسمه طلا یا سنگی قادر به رفع حوائج است - بلکه آنرا مظهر يك روح می‌دانند .

سید نجف آبادی فریاد زد - شما آقای مجدالشریعه ماده‌تان مستعد کفر و زندقه است و هر ناعقی از هر گوشه دنیا صدا درآورده به سمع قبول آن را می‌پذیرید .

مجدالشریعه خواست با همان حدت پر خاشی کند که مرحوم سید بادست اشاره و امر بسکوت نموده و بعد فرمودند حالا قطع نظر می‌کنیم از قول و هابیون و خودمان این موضوع را قدری بحث می‌کنیم - آیا آنچه را که تاکنون صحبت کردیم و شفاعت را مخالف نص صریح قرآن بیان کردیم قبول دارید یا نه .
سید - بسیار خوب حالا بگوئید برای چه به زیارت کربلا می‌روید .

نجف آبادی - من نمی‌گویم که می‌روم به امام حسین متوسل شوم که گناهان مرا ببخشید تا شما بفرمائید ببخشیدن گناه از خصائص ذات خداوندی است ولی می‌گویم برای این می‌روم کربلا که عرض بندگی و اطاعت نسبت به کسی کنم که در فضایل و تقوی و بندگی خداوند سرآمد اقران بوده و مروج شریعت احمدی است .

سید - بسیار خوب آیا امام حسین مرده است یا زنده .

- به عقیده ما زنده است .

مقصود از زنده بودن امام حسین گمان نمی‌کنم این باشد که حضرت امام حسین با همان هیكل بشری و گوشت و استخوان موجود باشد والا لازم می‌آمد که او را نکشته باشند و دفن نکرده باشند . یا اگر کشته و دفن کردند بعد زنده شده باشد زیرا هیچکس او را ندیده و هیچ معصومی هم نگفته است که حضرت حسین بعد از کشته شدن دوباره زنده شده باشد .

و این را هم می‌دانید که زنده بودن بر حسب عرف و اصطلاح و لغت این است که انسان با همین هیكل بشری و همین جسم نفس بکشد، حرف بزند

همانطور زیارت مشاهده مشرفه از شاعر مذهب شیعه است .

در اینجامرحوم سید پادست اشاره سکوت به مجد الشریعه کرده و فرمودند يك قسمت از مطالب شما صحیح است و يك قسمت خالی از اشکال نیست اما آن قسمتی که خالی از اشکال نیست اینست که حج را فقط از شاعر اسلامی قرار داده اید . گمان نمی کنم اینطور باشد فریضه حج يك حکمت بزرگتری دارد و در قرآن هم بدان اشاره شده است (ليشهد و امناع لهم الخ) ، (سوره حج آیه ۲۹ فریضه حج يك وسیله مؤثری برای تقویت وشوکت ملل اسلامی بوده است زیرا فریضه حج بر هر يك از افراد مسلمین که مستطیع باشند امر می کند و لویکبار هم شده است به زیارت بیت الله بروند . طبعاً حضرت پیغمبر می دانسته که امم واقوام مختلفیه ای بشرف دین اسلام مشرف می شوند .

این اقوام مختلفیه اسلامی اگر می خواهند عرت وشوکت واستقلال خود را حفظ کنند ناچارند با همدیگر متحد بوده و بر ضد دشمن مشترك هم عهد باشند . وسیله ارتباط این اقوام چیست . يك مجمع عمومی سالیانه در مکه که متین و برجسته ونهیم ممالک مختلفیه اسلامی در آنجا جمع شده علاوه بر اداء مناسك حج در مصالح ومنافع عمومی خود گفتگو کرده نمایندگان هر مملکتی اوضاع و احوال وحوائج ومخاطرات ویا قوه استعداد خود را به دیگران گفته وبالنتیجه اگر احتیاجی به کمک سایر اقوام مسلمین داشته باشند آن کمک را جلب کند .

من خیال می کنم اگر اقوام مختلفیه اسلامی به ظاهر مناسك حج اكتفا نکرده و همانطوری که منظور پیغمبر بوده است از مصالح ومنافع یکدیگر بحث می کردند و از حوائج ووقایع سایرین مطلع می شدند همچنین از نقاط ضعف و قدرت یکدیگر باخبر می شدند و بایکدیگر مساعدت و معاضدت می کردند در همان دو قرن اول اسلام تمام ربع مسکون را احاطه کرده و هیچوقت این ضعف و هنی که در قرون اخیره عالم اسلام بدان دچار شده است دچار نمی شد . اما آن قسمتی که به نظر من در فرمایشات شما صحیح بود این که بمنوان تعظیم وتجلیل پیشوایان و حفظ شاعر مذهبی انسان به زیارت مشاهده مشرفه برود زیرا این تعظیم و تکریم را در حقیقت به اعمال آنها وبالنتیجه به دستورات و تعالیم خداوندی نموده است . ولی در این صورت دیگر زیارت نامه خواندن و رفع حوائج خود را از آنها خواستن باید موقوف شود زیرا آنها منتهی به شرك

غذا بخورد و بالاخره سایر وظایف يك موجود حی را ادا نماید .

سید نجف آبادی - من این مراتب را تصدیق می کنم و مقصودم از زنده بودن حضرت حسین اینها نیست بلکه مقصودم این است که در اعلیٰ علیین حی و حاضر است و صدای ما را می شنود و از نیات ما باخبر است .

سید - بسیار خوب من در این عقیده شما بجائی نمیکنم ولی اگر مقصودتان از زنده بودن حضرت امام حسین این است که جسدش در کربلا و روحش در اعلیٰ علیین است آنوقت مجدد الشریعه می تواند بشما جواب دهد که تمام مرده ها زنده اند زیرا بر حسب عقاید اسلامی روح فانی نمی شود و منتظر روز قیامت است - نهایت روح مؤمنین و خوبان بر حسب مراتب طاعت و تقوای خود منعم و ارواح خبیثه علی قدر مراتبهم معذب هستند پس چه امتیازی مابین حضرت امام حسین و سایر مردم هست که شما آنها را مرده و حضرت امام حسین را زنده می دانید .

نجف آبادی - خیر مای گوئیم امام حسین با همین هیكل و جسد دنیوی خود در بهشت است و فرق ایشان با سایرین همین است .

مجدد الشریعه مجال به مرحوم سید نداده و بالهجهای فاتحانه گفت پس جسد امام حسین دیگر در کربلا موجود نیست و از طرف دیگر بر حسب اظهار خودتان امام حسین زنده و صدای شما را می شنود آیا صدای شما را فقط از کربلا می شنود یعنی از کربلا در یچه ای به آسمان چهارم باز است و صدا به آنجا می رسد و از سایر نقاط نمی رسد .

نجف آبادی - خیر از هر جا به او عرض بندگی شود می شنوند .

مجدد الشریعه - باز پیشدستی کرده و گفت بعد از اینکه معلوم شد جسد حضرت در کربلا نیست و بعد از اینکه معتقد هستید که از هر جا عرض اخلاص و اطاعت کنید به ایشان می رسد دیگر رفتن کربلا چه ضرورت دارد .
چرا از همان پشت بام خانه خودتان به او سلام نمی کنید و زیارت نمی خوانید .

نجف آبادی گفت - من در اینجا يك دلیل نقضی می آورم در صورتی که خدا همه جا هست به مفاد آیه کریمه «اینما تولوا فثم وجه الله» چرا بر اشخاص مستطیع حج واجب است و باید به زیارت خانه خدا بروند آیا غیر از این است که این یکی از شعائر است ؟

می‌شود .

بعد از مدتی سکوت باز مرحوم سید شروع به صحبت نموده و فرمودند
چون اسم شاعر مذهبی بمیان آمد مطلبی یادم افتاد که بی‌مناسبت نیست برای
شما نقل کنم .

وقتی که طلبه بودم و در سامره تحصیل می‌کردم بایک طلبه ترك باد کوبه‌ای
هم مباحثه بودم روزی صحبت از اقامه عزاداری و ترتیبات روز عاشورا بمیان
آمد من مخصوصاً قه زدن و زنجیر زدن را که در نواحی ترك نشین ممالک اسلامی
معمول بود تقبیح کردم . طلبه باد کوبه‌ای گفت اینها که شما می‌گوئید صحیح
است ولی در ولایت ما می‌شود گفت واجب است .

من خیلی متحیر شده پرسیدم تفاوت شهر شما با سایر شهرها چیست و چرا
آنجا این عمل خلاف شرع واجب می‌شود؟ دلیلی که برای اثبات رأی خود گفت
به مراتب از خود آن رأی عجیب‌تر بود و قطعاً افکاری که در دماغ این طلبه
باد کوبه‌ای بود به‌مخیله شما خطور نمی‌کند .

آخوند باد کوبه‌ای گفت چون قفقاز در تحت حکومت کفار است و اقامه
شاعر مذهبی مخصوصاً اینگونه اعمالی که ما را بکلی از روسها متمایز می‌کند
مانند قه زنی واجبست اگر تیغ زدن روز عاشورا هم ترك شود قطعاً مردم روسی
و کافر می‌شوند .

بعد از شنیدن این ادله من دیگر سکوت اختیار کردم زیرا دیدم بیان
هر گونه منطق و استدلالی در مقابل این اندازه ساده لوحی و بی‌اطلاعی از حقایق
اسلام بکلی عبث و بی‌فایده است .
پایان